

# گفتارهایی در پدیدارشناسی هنر

(چاپ دوم)

محمود خاتمی

استاد دانشگاه تهران



۱۳۹۲

## فهرست مطالب

پیشگفتار ..... ۷

### گفتار اول: زمینه‌های ظهور پدیدارشناسی هنر

- ۱-۱. هنر و زیبایی‌شناسی ..... ۱۱  
۱-۲. دوران جدید: امکان علم زیبایی‌شناسی ..... ۱۳  
۱-۳. زمینه ظهور پدیدارشناسی هنر ..... ۲۴  
۱-۴. هنر مدرن ..... ۴۱

### گفتار دوم: ظهور پدیدارشناسی هنر

- ۲-۱. پدیدارشناسی ..... ۵۳  
۲-۲. پدیدارشناسی هنر و زیبایی‌شناسی ..... ۷۵

### گفتار سوم: ادراک هنری و تجربه زیبایی‌شناسیک

- ۳-۱. سوژه هنری ..... ۷۷  
۳-۲. ادراک زیبایی‌شناسیک ..... ۸۱  
۳-۳. گذر از سوژه هنری به ابژه هنری ..... ۹۳

### گفتار چهارم: اثر هنری

- ۴-۱. هگل و اثر هنری ..... ۱۰۷

- ۲-۴. اثر هنری و ابژه زیبایی شناسیک ..... ۱۱۰  
۳-۴. مقومات اثر هنری ..... ۱۱۱  
۴-۴. اثر هنری و محتوا: بازنمایی هستی شناسیک ..... ۱۱۴

### گفتار پنجم: هستی شناسی اثر هنری

- ۱-۵. هنرهای نمایشی: بازی به مثابه تبیین هستی شناسانه اثری هنری ..... ۱۲۶  
۲-۵. هنرهای تجسمی: ظرفیت هستی شناسیک تصویر ..... ۱۴۶  
۳-۵. هنرهای ابداعی یا اقتضایی ..... ۱۵۶  
۴-۵. هنرهای ادبی ..... ۱۵۹  
۵-۵. اثر هنری همچون شیء ..... ۱۶۴  
۶-۵. اثر هنری و ابزار ..... ۱۶۷  
۷-۵. ابزار بودن ابزار و اثر هنری ..... ۱۷۰  
۸-۵. اثر هنری و فن: فعالیت هنری ..... ۱۷۲

### گفتار ششم: عالم اثر هنری

- ۱-۶. عالم و اثر هنری ..... ۱۸۷  
۲-۶. ادراک اثر هنری ..... ۱۹۲  
۳-۶. هنر همچون حکایت و سخن ..... ۲۰۲  
۴-۶. همدلی و اثر هنری ..... ۲۲۰

### گفتار هفتم: ذات هنر و حقیقت

- ۱-۷. هنر و هستی ..... ۲۲۳  
۲-۷. ذات هنر و حقیقت ..... ۲۲۸  
۳-۷. اثر هنری و حقیقت ..... ۲۳۲  
کتابنامه ..... ۲۴۱  
نمایه ..... ۲۴۷

## گفتار اول

### زمینه‌های ظهور پدیدارشناسی هنر

زمینه‌های ظهور پدیدارشناسی هنر را، چنان که شاید، باید در دوران مدرن و در چارچوب اصول و آرمانهای آن جست. این گفتار، اما در پی فحص و بحث از این اصول و آرمانها نیست؛ در عوض، با نگاهی تاریخی، از برخی نقاط عطف فلسفی و نکاتی که زمینه این ظهور را در قرن بیستم فراهم کردند، به اختصار بحث می‌کند.

#### ۱-۱. هنر و زیبایی‌شناسی

معمول است که واژه هنر<sup>۱</sup> (و به طریق اولی، فلسفه هنر) را از واژه زیبایی‌شناسی جدا می‌کنند، و زیبایی‌شناسی را علمی تلقی می‌کنند که از «ذوق»<sup>۲</sup> یا ادراک زیبایی در طبیعت و هنر» سخن می‌گوید. این برداشت از

---

۱. Art از لاتین Ars که معادل واژه یونانی techne به معنی فن و هنر بوده است (Gadamer H. G., *Truth and Method*, trans. G. Weinsheimer & D.G. Marshall, New York 2004, pp. 312-318). در طول تاریخ فلسفه تعاریف متعددی از هنر شده است: برای بحثی در این باره، نک:

Beardsley M.C., *Aesthetics from Classical Greece to the Present*, London 1966;  
Carrol N (ed), *Theories of Art Now*, Mackison 2000; Diffey T.J., *The republic of Art and Other Essays*, NY. 1991.

۲. Taste، برای بحثی درباره ذوق، نک: Gadamer H. G., *Truth and Method*, pp. 13-63.

شناخت اینکه چگونه اینها تعین می‌یابند.<sup>۱</sup> اما از آنجا که این تعین یافتن با امر زیباست، «بنابراین استتیک لحاظ حالت احساس انسان است در نسبت با امر زیبا.»<sup>۲</sup> و باز:

چون هنر امر زیبا را به شیوه خویش فرا می‌نهد... پس تأمل در باب هنر می‌شود استتیک. بنابراین استتیک به لحاظ شناخت هنر و تحقیق در آن عبارت است از آن نوع تأمل در باب هنر که در آن وابستگی انسان به امر زیبا در هنر ظاهر می‌شود و معیاری برای همه تعاریف و تبیینها و حالت احساس انسان - که مبدأ و مآل آن تأمل است - وضع می‌نماید.<sup>۳</sup>

هیدگر اظهار می‌دارد که هر چند استتیک همچون علم زیبایی‌شناسی، یعنی به عنوان علمی که درباره هنر و امر زیبا تأمل می‌کند، در دوران جدید و قرون هجده و نوزده باب شد، ولی این روش تحقیق در باب هنر به قدمت تفکر در باب هنر و زیبایی در تفکر غربی است: «تأمل فلسفی در ذات هنر و زیبایی همواره همچون استتیک آغاز می‌شود.»<sup>۴</sup>

## ۱-۲. دوران جدید: امکان علم زیبایی‌شناسی

در دوران جدید، با ظهور دیدگاه روشن‌نگری، زیبایی‌شناسی همچون یک علم مورد بحث قرار گرفت. دوران جدید همواره بر این آرمان بوده است که هرگونه معرفت بشری را به شکل علم<sup>۵</sup> به معنی جدید کلمه درآورد. آموزه

زیبایی‌شناسی به دوران جدید باز می‌گردد<sup>۱</sup> که زیبایی‌شناسی را صورتی از معرفت تلقی می‌کند از آن حیث که به چگونگی احساسات و انفعالات انسان در قبال زیبایی می‌پردازد.<sup>۲</sup> غالباً چنین می‌گویند که مفهوم زیبایی نزد افلاطون مقدم بر هنر بوده است و، برخلاف آن، نزد ارسطو هنر مقدم بر زیبایی.<sup>۳</sup> اما همان‌طور که برخی تحلیل کرده‌اند، هنر و زیبایی‌شناسی هر دو صورتی از معرفت بوده‌اند.<sup>۴</sup> هنر صورتی از معرفت بوده که معطوف به تولید است و زیبایی‌شناسی نیز معرفت امر زیباست؛ هیدگر در کاربرد یونانی تمایزی میان زیبایی‌شناسی و هنر نمی‌بیند. از نظر او «واژه زیبایی‌شناسی (استتیک) همان‌طور شکل یافته که منطق (لوژیک) و اخلاق (اتیک)»؛ چنان‌که لوژیک شناخت لوگوس بوده و اتیک شناخت اتوس، استتیک هم به این معنی بوده است: «شناخت رفتار انسان با نظر به حس و حسیات و احساس درونی و

۱. Aesthetics از واژه یونانی Aisthetike به معنی اموری که قابل ادراک حسی است. واژه زیبایی‌شناسی را به عنوان یک علم اول بار در دوران جدید باومگارتن به کار برد (۱۷۵۰). در دایرةالمعارف Gwilt (۱۸۴۲)، این واژه «احمقانه» و «فضل فروشانه» خوانده شده و اینکه ژرمنها آن را به حوزه هنر اضافه کرده‌اند. همیلتون هم از «ابهام» این واژه سخن گفته است (۱۸۵۹). اما در فرهنگ آکسفورد آمده است که «فلسفه یا نظریه ذوق یا ادراک زیبایی در طبیعت و هنر» است. نک:

Osbron H. (ed.), *The Oxford Companion to Art*, Oxford 1991.

برای تحلیلی پدیدارشناسانه در این باره، نک:

Berleant A., *The Aesthetic Field: A Phenomenology of Aesthetic Experience*, Springfield 1970; Berleant A., *Re-thinking Aesthetics: Rogue Essays on Aesthetics and the Arts*, Hampshire 2004, Introduction and chapter one.

۲. نک:

Heidegger M., *Nietzsche*, trans. D. F. Krell, Sanfrancisco 1991, vol. I, p. 79.

۳. نک: فصل اول کتاب زیر:

Kockelmans J.J., *Heidegger, Art and Artwork*, Nijhof 1985.

4. Gilberrrt and Kuhn, *A History of Aesthetics*, pp. 59-86.

1. Heidegger M., *Nietzsche*, vol. I, p. 78.

2. *Ibid.*, p. 78.

3. *Ibid.*, p. 78.

4. *Ibid.*, p. 79.

از این رو هیدگر در تفکر غربی به شش دوره تاریخی برای استتیک به همین معنی قایل می‌شود. نک: *Ibid.*, pp. 22-28.

5. science